

واژگان پایه و واژگان نگاری کودک در زبان فارسی

Basic Vocabulary and Child's Lexicography in Persian Language

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۲/۱۳ ؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۹/۰۱

H.Ameri (Ph.D)

H.Zolfaghari (Ph.D)

Abstract: One of the common linguistic and educational concepts in early childhood education is basic vocabulary. This is a main factor in simple writing and acts as a tool for writers of educational and course books. In recent decades educators and researchers have paid a lot of attention to the issue of basic vocabulary, and at least ten key sources exist focusing on this issue. In this paper, while introduces theoretical concepts and child basic vocabulary books in Persian, three key texts, i.e. Sokhan's Children Dictionary, School Dictionary and Children's Writing Lexicon) are compared with Basic Vocabulary of Iranian Elementary Students (Nematzade et al, 1384/2005). The comparison follows three axes: part of speech, compound words, and words of the five semantic categories, i.e. family, body parts, animals, seasons and religion. Based on scientific criteria and using the data of a project in Center for Persian Language and Literature Researches, Tarbiat Modares University, we try to demonstrate which of the four works studied are more reliable and valid

Keyword: Basic Vocabulary, course books, simple writing, basic knowledge, semantic category

حیات عامری^۱

حسن ذوالفقاری^۲

چکیده: یکی از مفاهیم مشترک زبانی و تربیتی در آموزش- های اولیه کودکان، واژگان پایه است. یکی از اضلاع اصلی ساده نویسی واژگان پایه است که به مثابه ابزار مهمی برای نویسندگان کتاب‌های آموزشی و درسی است. در دهه‌های اخیر توجه مربیان و پژوهشگران به این امر چنان بوده که حدود ده اثر شکل گرفته است. در این مقاله ضمن اشاره به مفاهیم نظری و معرفی کتاب‌های واژگان پایه، سه اثر مهم‌تر (فرهنگ کودکان سخن، فرهنگ دبستانی و واژگان نوشتاری کودکان) و را با طرح واژگان پایه دکتر شهین نعمت‌زاده و همکاران (۱۳۸۴) مقایسه می‌کنیم. این مقایسه در راستای سه محور مقوله واژگانی، وجود کلمات مرکب و واژگان پنج مقوله معنایی «خانواده»، «اعضای بدن»، «حیوانات»، «فصل‌ها» و «دین و مذهب» است. سعی نویسندگان این است تا با مبانی علمی و براساس طرحی پژوهشی که در مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس در دست اجراست، نشان دهند مبانی علمی هر یک چه بوده و روایی علمی و نظری و کاربردی کدام یک بیشتر است.

کلیدواژه‌ها: واژگان پایه، کتاب‌های درسی، ساده‌نویسی، دانش پایه، مقوله معنایی

h.ameri@modares.ac.ir

zolfaghari_hasan@modares.ac.ir

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه و بیان مسئله

واژگان پایه برای هر زبانی، هم در امر آموزش آن زبان و هم برای پژوهش‌های اساسی زبان‌محور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از آنجا که تحقیق‌های مربوط به واژگان پایه کودک نیز پایگاه اطلاعاتی مفیدی برای تهیه و تألیف کتب‌درسی و کمک‌درسی، داستان و دیگر آثار مربوط به گروه‌های سنی مختلف کودکان در دسترس قرار می‌دهد، از اهمیت خاصی برخوردارند.

هدف از این مطالعه آن است که دربابیم فهرست واژگان «طرح شناسایی واژگان پایه فارسی دانش‌آموزان ایرانی در دوره ابتدایی» اثر نعمت‌زاده و همکاران (۱۳۸۴) با فهرست‌های ارائه‌شده در تحقیقات دیگری که در زمینه استخراج و ارائه واژگان پایه کودکان در زبان فارسی انجام شده، تا چه حد همخوانی و هماهنگی دارد و چه نقاط اشتراک یا تفاوتی میان این طرح و پژوهش‌های مشابه آن وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و از نوع مقایسه‌ای است. منبع اصلی که مورد تحلیل و بررسی بوده است، «طرح شناسایی واژگان پایه فارسی دانش‌آموزان ایرانی در دوره ابتدایی» است که شهین نعمت‌زاده و همکاران در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش به انجام رسانده و نتایج هم در قالب گزارش طرح و هم در کتابی با عنوان «واژگان پایه فارسی، از زبان کودکان ایرانی» منتشر گردیده است. این اثر با سه منبع «فرهنگ دبستانی» اثر گیتی شکری (۱۳۷۴)؛ «فرهنگ کودکان سخن» اثر منیژه گازرانی با سرپرستی حسن انوری (۱۳۸۳) و «واژگان نوشتاری کودکان»، اثر فریدون بدره‌ای (۱۳۵۰) مقایسه گردیده است.

دلیل انتخاب این سه منبع واضح است؛ همه این منابع پایه کار خود را بر استخراج واژگان پایه کودک بنا نهاده‌اند و لذا منابع خوبی برای مقایسه با یکدیگر و رسیدن به وجوه تفاوت و تشابه پژوهش‌های این حوزه به حساب می‌آیند. از سوی دیگر، با توجه به اینکه تدوین و تهیه فرهنگ دبستانی و فرهنگ کودکان سخن، حدود ده سال از نظر زمانی با هم تفاوت دارند، داده‌هایی که از مقایسه هر یک از آنها با واژگان «طرح واژگان پایه» به دست می‌آید، می‌تواند در

زمینه تغییرات احتمالی در واژگان پایه کودکان فارسی‌زبان در یک بازه زمانی ده‌ساله، راهگشا باشد.

فهرست واژگان «طرح شناسایی واژگان پایه ابتدایی» را در دو بخش تولید و ادراک؛ ابتدا با فهرست واژه‌های موجود در «فرهنگ کودکان سخن» (انوری، ۱۳۸۳)، «فرهنگ دبستانی» (شکری، ۱۳۷۴)، «واژگان نوشتاری کودکان» (بدره‌ای، ۱۳۵۰) مقایسه و نتایج را ثبت کردیم. هدف از این مقایسه‌ها، علاوه بر پیدا کردن نقاط اشتراک و اختلاف این چهار اثر مربوط به واژگان پایه کودکان فارسی زبان، رسیدن به فهرستی از واژگان پایه کودکان ایرانی است که بر مهم‌ترین پژوهش‌های موجود در این زمینه مبتنی و حتی الامکان قابل اعتماد باشد. بعد از مقایسه فهرست این چهار منبع، آنها را در راستای سه محور مقوله واژگانی، وجود کلمات مرکب و واژگان پنج مقوله معنایی مقایسه کردیم.

از میان مقوله‌های معنایی مختلفی که در هر یک از این منابع آمده است، پنج مقوله معنایی «اعضای بدن»، «خانواده»، «حیوانات»، «دین و مذهب» و «فصل‌ها» را به عنوان نمونه انتخاب و واژگان مربوط به آنها را در منابع استخراج و نتایج را با هم مقایسه کردیم.

پیشینه تحقیق

در زمینه واژگان‌نگاری پایه کودکان در دو حوزه، پژوهش‌هایی صورت گرفته است: اول مقالاتی درباره واژگان‌نگاری؛ دوم تدوین واژگان پایه. درباره واژگان‌نگاری تاکنون نه اثر پدیدآمده که ذیل دوگروه هستند:

گروه اول منابع مورد بررسی ما در این مقاله:

«طرح شناسایی واژگان پایه فارسی دانش‌آموزان ایرانی در دوره ابتدایی» این طرح که اساس پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد به سفارش سازمان پژوهش و به اجرای دکتر شهین- نعمت‌زاده و همکاران پدیدآمده و کتاب آن در سال ۱۳۹۰ ذیل انتشارات مدرسه چاپ شده است. این طرح به بررسی واژگان پایه کودکان دبستانی پرداخته است؛ یعنی پربسامدترین کلماتی را که در زبان کودکان فارسی زبان ایران در دوره آموزش ابتدایی (پایه اول تا پایه پنجم ابتدایی) به کار رفته، شناسایی، استخراج و طبقه‌بندی کرده است. در این پژوهش، واژه‌های تولیدی و ادراکی هریک از پنج پایه ابتدایی، در سه مقوله واژگانی اسم، صفت و فعل، به صورت بسامدی، ارائه شده است. در این طرح «سه نوع آزمون واژگانی تولیدی و ادراکی و معلمان، ساخته و اجرا

گردید و حدود بیست هزار دانش‌آموز به دو آزمون واژگانی تولیدی و ادراکی و هفتصد و پنجاه معلم مقطع ابتدایی همان مدارس هم به آزمون واژگانی معلمان پاسخ دادند.» (نعمت‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۳).

معیار مجری طرح در انتخاب واژگان پایه، بسامد بالای واژه‌ها بوده است (همان، ۴۳) این طرح که در سطح ملی و بر مبنای جامعه آماری به وسعت جغرافیای تمام ایران انجام پذیرفته، جامع‌ترین، بنیادی‌ترین و روشمندترین کاری است که تاکنون در حوزه مطالعات واژگان پایه کودکان انجام شده است. برای استخراج واژگان تولیدی و ادراکی ۲۹ استان، ۱۹۳۴۹ دانش‌آموز ابتدایی، ۷۵۰ معلم و ۱۷۵ مدرسه در آزمون‌های این طرح، شرکت کرده‌اند.

این طرح پیکره‌بنیاد، داده‌های خود را از طریق سه آزمون ادراکی، تولیدی و معلمان جمع‌آوری کرده است. در آزمون تولیدی، از دانش‌آموزان خواسته شده که در زمانی معین و در چارچوب خاصی سخن بگویند یا مطالبی را بنویسند. در آزمون ادراکی شیوه کار به این صورت بوده که تعدادی واژه از پیش تعیین شده در مقولات سه‌گانه اسم، فعل و صفت براساس تک‌تصویرهایی مورد آزمون قرار گرفته‌اند. دلیل محدود کردن کار به این سه مقوله دستوری اهمیت و بسامد زیاد آنها در مقایسه با مقولات دستوری دیگر بوده است؛ به علاوه برای نمایش موضوعی واژه‌ها با توجه به کاربرد آموزشی آن‌ها طبقه‌بندی خاصی ابداع شد که دارای ۲۴ موضوع است. در این طبقه‌بندی موضوعی که به صورت چندگانه تنظیم شده است، هر واژه در موضوع‌های متعددی قرار می‌گیرد. (همان، ۵۲)

فرهنگ دبستانی: گیتی شکری این فرهنگ را در سال ۱۳۷۴ ذیل انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به چاپ رساند. کتاب شامل حدود پانزده هزار واژه است. پیکره آن طی طرح پژوهشی، براساس واژه‌های کتاب‌های درسی پنج ساله دوره ابتدایی و پنجاه کتاب غیردرسی کودکان همین گروه سنی، مجله‌های کیهان بچه‌ها، پیک و مجلات رشد و نیز مواد گفتاریده برنامه کودک و نوجوان صدا و سیما به دست آمده است. در تهیه این پیکره، واژه‌های دو منبع مهم مربوط به واژگان کودک، یعنی «واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ایرانی»، اثر فریدون بدره‌ای (۱۳۵۲) و «فهرست پرتکرارترین واژه‌های خردسالان»، اثر لیلی ایمن (۱۳۶۸) نیز لحاظ گردیده است. این فرهنگ معنای واژه‌ها را به زبانی ساده توضیح داده و برای برخی از واژه‌ها، مثال هم آورده است.

واژگان پایه و واژگان نگاری کودک در زبان فارسی...

فرهنگ کودکان سخن: فرهنگ کودکان سخن اثر حسن انوری و منیژه گازرانی در سال ۱۳۸۳ ازسوی انتشارات سخن به چاپ رسید. اساس این فرهنگ ارائه معنای واژه‌ها با مثال، جمله و تصویر است، اما توضیحی درباره پیکره مورد استفاده، چگونگی انتخاب مدخل‌ها و اصولاً روش کار نمی‌دهد. تعداد واژه‌های این فرهنگ حدوداً ۲۷۵۲ است که در خود اثر ذکر نشده است.

واژگان نوشتاری کودکان: این کتاب حاصل اولین پژوهش درباره واژگان نوشتاری کودکان ایران است که فرهنگستان زبان ایران در سال ۱۳۵۲ آن را چاپ کرد. در این پژوهش، از مجموع ۱۰۸۵ نامه در سال‌های منتهی به سال ۱۳۵۲ که کودکان دبستانی از ۹۰۸ دبستان و ۱۶۰ شهر در سراسر ایران برای «مرکز ملی آموزش بزرگسالان» ارسال کرده بودند، ۹۸۷۶۹ واژه استخراج شد. از این تعداد ۸۷۱۲ صورت زبانی و ۴۵۹۸ واژه مختلف به ثبت رسیده است. سپس براساس پراکندگی و بسامد واژه‌ها، تعداد ۷۷۵ واژه به عنوان «واژگان نوشتاری» کودکان انتخاب شد.

گروه دوم منابع دیگر:

فهرست پرتکرارترین واژه‌های خردسالان: نوشته لیلی ایمن که واژگان کودکان ۶ تا ۱۱ سال را دربرمی‌گیرد. این کتاب با همکاری گروهی متخصص انجام شده است. واژه‌های این پژوهش از نوشته‌های خردسالان، کتاب‌های پر فروش کودکان و گفتار آنها به دست آمده است.

واژگان پایه‌های اول تا پنجم ابتدایی: گردآورده عبدالرحمان صفارپور (۱۳۷۰) شامل ۲۵۰۰۰ واژه است که نویسنده طبق طرحی براساس کتاب‌های درسی پایه‌های اول تا پنجم ابتدایی و نیز کتاب‌های نهضت سوادآموزی، جمع‌آوری کرده و چاپ نشده است.

واژگان خوانداری کودکان دبستانی ایران: پایان نامه کارشناسی ارشد مهدی ضرغامیان در رشته زبان‌شناسی است که در سال ۱۳۷۱ دفاع کرده است. در این پایان‌نامه مجموعه‌ای از واژگان خوانداری کودکان دبستانی ایران در دهه شصت (۱۳۶۰-۱۳۶۹) بررسی شده است. ضرغامیان در این کار، ۱۳۰۳۹ مدخل واژگانی با کاربرد ۸۰۶۲۹ را در دو فهرست الفبایی و بسامدی آورده است.

فرهنگ آسان: اثر مصطفی رحماندست در سه جلد که انتشارات کانون فکری کودکان و نوجوانان آن را در سال ۱۳۹۰ منتشر کرده است. این فرهنگ براساس پیکره‌ای متشکل از کتاب‌های مختلف کودکان، فرهنگ‌های بزرگسالان، برنامه‌های تلویزیونی و مجلات کودک و نوجوان تهیه و تدوین شده و بنابراین چون پیکره مشخص و تعریف شده‌ای ندارد، واژگان آن

شامل انواع کلمات عربی، مهجور و قدیمی، ادبی و نیز واژگان تخصصی رشته‌های گوناگون علوم از زیست‌شناسی و پزشکی تا فیزیک و شیمی است. این فرهنگ اگرچه به وسیله کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده اما مخاطبان آن به راستی کودکان نمی‌توانند باشند؛ زیرا دامنه متنوع واژگان موجود در آن از سطح دانش واژگانی کودکان بسیار فراتر است و در آن بسیاری از واژگان مهجور، قدیمی، عربی و تخصصی نیز مدخل شده‌اند. به عنوان مثال این فرهنگ شامل واژه‌هایی چون بسیم، ثلاث، جرابه، پاتین، اکتویی، تلواسه، تلمیذ، تلبث، جاثلیق، جاثم، بنو، کیلگان، ماضع، گراهیدن، مشتوک، نارباجه، نوجبه، نهب کردن، نه خراس، نهامی و بسیاری واژه‌های دیگری از این دست است. به نظر نمی‌رسد این کلمات را با تکیه بر شم زبانی هم در محدوده واژگان پایه کودکان و حتی نوجوانان به حساب آورد. در واقع تعداد این گونه واژگان به قدری در این اثر زیاد است که شاید بهتر می‌بود نام آن را به جای فرهنگ آسان، فرهنگ واژگان مهجور می‌گذاشتند.

شناسایی و تحلیل واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ایران: در این پژوهش نامه‌های ارسالی کودکان دبستانی سراسر کشور به دفتر مجلات «رشد نوآموز» و «رشد دانش‌آموز» در سال‌های ۸۱-۱۳۸۰ است. از ۳۶۷ نامه بررسی شده در این پژوهش ۵۶۰۸۶ واژه و ۴۷۵۴ واژه غیر تکراری استخراج شده است. معیار تفکیک واژه، نظریه ساختاری است، به این ترتیب که کلیه ترکیبات اضافی و وصفی، به واژگان سازنده خود تفکیک شده‌اند؛ مثلاً «لباس فضانوردی» به دو واژه «لباس» و «فضانوردی» تفکیک شده است. واژگان در چهار گروه اصلی: فعلی، غیرفعلی، اصطلاحات و مصدر، بررسی و طبقه‌بندی شده‌اند. گروه غیرفعلی خود به هجده زیرگروه فرعی تقسیم شده است. حاصل این پژوهش جدولی الفبایی شامل ۵۶۰۸۶ واژه (صورت زبانی)، جدول بسامدی شامل ۴۷۵۴ واژه و جدول واژگان پایه شامل ۷۶۱ واژه پایه است.

پژوهش‌های دیگر

عبارت‌تنداز: شبیری (۱۳۷۶)، صفرزاده (۱۳۷۶)، طیبی (۱۳۷۹)، غفاری (۱۳۸۰)، طیبی (۱۳۸۰)، اعلائی (۱۳۸۱)، کرمی نوری (۱۳۸۲)، سیفی خوردزوقی (۱۳۸۳)، همتی (۱۳۸۳) و فکری (۱۳۸۳).

تعریف مفاهیم نظری

الف) واژگان پایه: واژگان پایه به مجموعه‌ای از واژه‌های هر زبان اطلاق می‌شود که دارای بالاترین بسامد رخداد در گونه‌های گفتاری و نوشتاری خاص آن زبان هستند. ممکن است از واژگان پایه سطوح سنی خاص (مثلاً کودکان) یا واژگان پایه زبانی برای مقاصد خاص (مثلاً آموزش زبان به غیراهل زبان) یا در محدوده یا ژانری خاص (مثلاً واژگان پایه ادبیات نوجوانان) نیز سخن به میان آید که در این صورت با پربسامدترین واژه‌های متون مربوط به آن سطوح خاص سنی، آن مقاصد ویژه و یا آن ژانرها و محدوده‌های خاص، سروکار خواهیم داشت.

توجه به این نکته ضروری است که اگرچه لفظ واژگان، در معنای تخصصی خود در ساحت روان‌شناسی زبان و زبان‌شناسی به مجموعه واژه‌های ذهنی یا به عبارت بهتر به فرهنگ لغت انتزاعی ذهنی اهل زبان دلالت دارد اما در زبان فارسی برای اشاره به کلمات عینی مورد استفاده اهل زبان اطلاق می‌شود. ما در این مقاله با علم به این تفاوت، با تسامح «واژگان» را برای اطلاق به همین مجموعه کلمات عینی که اهل زبان مورد استفاده قرار می‌دهند، به کار برده‌ایم.

ب) واژگان تولیدی: واژه‌هایی که فرد به هنگام سخن گفتن یا نوشتن یعنی به هنگام تولید زبان از آنها استفاده می‌کند (نعمت زاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۴).

ج) واژگان ادراکی: واژه‌هایی که فرد به هنگام شنیدن یا خواندن آنها در یک متن معنایشان را درک می‌کند. (همان)

مقایسه «طرح شناسایی واژگان پایه» با سه اثر دیگر

۱. مقایسه تفاوت کاربردی و روشی و محتوایی

۱-۱- در فرهنگ دبستانی تمام ترکیبات مربوط به واژه را به صورت مدخل اصلی آورده است؛ مثلاً:

بغل: بغل کردن، بغل دست، بغل زدن، بغلی

بهار: بهاران، بهار کردن، بهاری

عدد: عددنویسی، عدد زوج، عدد فرد، عدد ترتیبی

قلب: قلب به تپش افتادن

جهات: جهات اربعه، جهات اصلی، جهات چهارگانه، جهات فرعی

پسر: پسریچه، پسرخاله، پسرخوانده، پسردایی، پسرزاد، پسرعمو، پسرعمه
۲-۱ کلمات مرکب، عربی، مهجور یا تخصصی مانند با آب و تاب، با آنکه، باج و خراج، بادبادک هوا کردن، با دست و پا، بار به دوش کشیدن، بار به منزل رساندن، بار شدن، بارک‌الله، بارکردن، بارگذاشتن، بار منفی، القصد، بشارت، اتمام حجت، ابوطیاره، آبا اجدادی، تلاوت، بشارت، بنی (پسران)، ثنایا (دندان‌های تیز جلویی انسان و حیوان)، جده (مادر مادر، ...)، جمادی الاول، جمادی الآخر، جند (سپاه)، جهات اربعه، خلف، خلفای راشدین، دارالمجانین، ذیح، زوج، زوجه، سنه (سال)، سنین (سالها)، صغیر، ضاله (گمراه کننده)، ضعیفه، طاهر، طاهره، تنکه (شلوار کوتاه)، طیب، عاصی، عاق، عاقله، فانوسقه، فتوحات، فرهنگ نویسی، قالباق، سزارین - عامل ضرب، عامل مجهول و ... نیز در فرهنگ دبستانی مدخل شده‌اند که نه تناسبی با دانش واژگانی مخاطبان دارند و نه باهمدیگر از نظر حوزه و سطح تناسب دارند. وجود کلمات تابومثل لندهور، و لیچار نیز در این فرهنگ زیاد دیده می‌شود.

۳-۱ با نگاهی بسیار گذرا و غیرتخصصی درمی‌یابیم که مدخل‌های این فرهنگ نه از نظر شکل ساختاری کلمات و نه به لحاظ تعلق به سبک‌های زبانی مختلف همگونی ندارند. از یک سو مدخل‌هایی چون از آب درآمدن و از آب کره گرفتن و از آب و گل درآمدن که همگی متعلق به حوزه کنایات هستند و معنی مجازی دارند، شأن مدخل اصلی یافته‌اند و از سوی دیگر ترکیبات دستوری چون از آنکه، از این جهت و از این رو نیز مدخل شده‌اند.

۴-۱ از مجموع حدود ۲۷۵۲ مدخل فرهنگ کودکان سخن ۱۷۲۵ واژه در طرح نعمت‌زاده و همکاران نیامده است. مقایسه نشان می‌دهد که واژگان مهم و پربسامدی چون آباد، آب‌میوه، آشنا، اردک، است، استراحت، استفاده، اسکناس، بسیار، بیمار، جامد، جواب، چهارشنبه، چرا، دشمن، زنبور، زندگی، طوطی، فعالیت، یخ و ... در فرهنگ سخن آمده اما در فهرست نعمت‌زاده و همکاران به دلیل روشی یا قرار نگرفتن در حیطه تحقیق آنان نیامده است.

۲- مقایسه منابع مورد بررسی بر اساس سه محور

۲-۱ کلمات مرکب

با توجه به ساده یا مرکب بودن واژگان هر یک از چهار فهرست منابع مورد بررسی، تنوع جالبی بین این منابع به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، در فرهنگ دبستانی به مدخل‌هایی همچون «چند ضلعی» و حتی «چند ضلعی منظم»، «چند ضلعی غیرمنظم»، «حاجی حاجی مکه»،

واژگان پایه و واژگان نگاری کودک در زبان فارسی ...

«پول‌خرج‌کن» و «جست‌وخیز‌کنان» بر می‌خوریم که لازم نیست همگی فهرست شوند اما از سوی دیگر در فهرست واژگان طرح نعمت‌زاده و همکاران، چنین ترکیباتی به چشم نمی‌خورند و واژگان، حداکثر از دو جزء (مانند چرخ خیاطی، خمیر دندان، قالی‌باف، نوارکاست و...) تشکیل شده‌اند.

برای مقایسه دقیق‌تر این مسئله در بخش کلمات مرکب، در پی آن بودیم ببینیم که واژگان هریک از این منابع، تا چه اندازه به گروه واژگان مرکب تعلق دارند. برای اینکه کار مقایسه را به دقت و در عین حال سهولت انجام دهیم، از هریک از چهار منبع مورد بررسی به صورت تصادفی سه قسمت مختلف از آغاز حرف ب، ص، و م، و از هر بخش ۱۰۰ مدخل اول را ملاک بررسی قرار دادیم و این مدخل‌ها را از نظر ساختمان واژه‌ها با یکدیگر مقایسه کردیم. دلیل انتخاب این سه حرف (ب، ص، م) آن بود تا هم به قسمت‌های ابتدایی هریک از این کارها توجه کرده باشیم، هم به بخش میانی آنها و هم به قسمت‌های پایانی. لازم به توضیح است که در این بخش ملاک ما برای مرکب دانستن یک واژه آن بود که قسمت‌های تشکیل دهنده آن بتوانند هریک به صورت مستقل و معنادار در زبان به کار روند. بر این اساس کلماتی چون عروس دریایی، بابا بزرگ یا ماشین برقی را مرکب فرض کرده‌ایم اما واژگانی چون صداسازی، ماهیگیری یا صافکاری را جزو کلمات مرکب به حساب نیاورده‌ایم. به علاوه، در این محور تحلیلی فعل‌های مرکب را نیز لحاظ نکرده‌ایم.

نتایج به دست آمده به قرار زیر است:

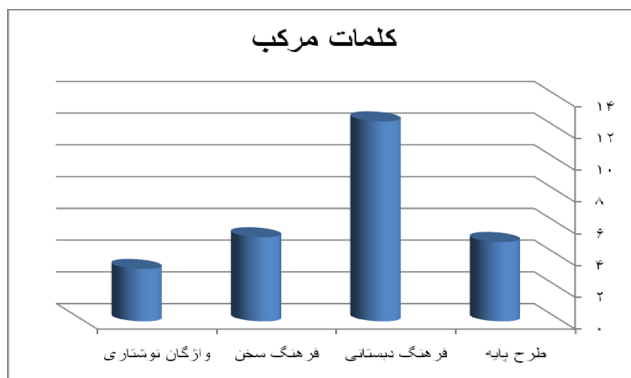
طرح واژگان پایه: تعداد کلمات مرکب در قسمت اول مورد بررسی (صد واژه اول از حرف ب پس از ادغام واژه‌های تولیدی و ادراکی) ۶ واژه، در بخش دوم (صد واژه اول از حرف ص پس از ادغام واژه‌های تولیدی و ادراکی) ۳ واژه و در بخش سوم (صد واژه اول از حرف م پس از ادغام واژه‌های تولیدی و ادراکی) ۶ واژه بوده است. مجموع کل واژگان مرکب در سه قسمت مورد بررسی ۱۵ واژه از ۳۰۰ واژه مورد بررسی بوده است. به این ترتیب میانگین واژگان مرکب در این منبع ۵ درصد کل واژگان مورد بررسی بوده است.

فرهنگ کودکان سخن: تعداد کلمات مرکب در قسمت اول مورد بررسی (صد واژه اول از حرف ب) ۷ واژه تعداد کلمات مرکب در قسمت دوم مورد بررسی (صد واژه اول از حرف ص) ۲ واژه و تعداد کلمات مرکب در قسمت سوم مورد بررسی (صد واژه اول از حرف م) ۷

واژه بوده است. به این ترتیب مجموع واژگان مرکب در نمونه بررسی شده این فرهنگ ۱۶ واژه از سیصد مدخل بررسی شده بوده است که این عدد معادل $5/3$ درصد کل واژگان مورد بررسی بوده است.

فرهنگ دبستانی: تعداد کلمات مرکب در قسمت اول مورد بررسی (صد واژه اول از حرف ب) ۱۱ واژه، تعداد کلمات مرکب در قسمت دوم مورد بررسی (صد واژه اول از حرف ص) ۱۴ واژه و تعداد کلمات مرکب در قسمت سوم مورد بررسی (صد واژه اول از حرف م) ۱۳ واژه بوده است. به این ترتیب مجموع واژگان مرکب در نمونه بررسی شده این فرهنگ ۳۸ واژه از سیصد مدخل بررسی شده بوده است که این عدد معادل $12/6$ درصد کل واژگان مورد بررسی بوده است.

واژگان نوشتاری: تعداد کلمات مرکب در قسمت اول مورد بررسی (صد واژه اول از حرف ب) ۳ واژه، تعداد کلمات مرکب در قسمت دوم مورد بررسی (صد واژه اول از حرف ص) ۴ واژه و تعداد کلمات مرکب در قسمت سوم مورد بررسی (صد واژه اول از حرف م) ۳ واژه بوده است. به این ترتیب مجموع واژگان مرکب در نمونه بررسی شده این فرهنگ ۱۰ واژه از سیصد مدخل بررسی شده بوده است که این عدد معادل $3/3$ درصد کل واژگان مورد بررسی بوده است.



نمودار ۱: میزان کلمات مرکب در منابع مورد بررسی

واژگان پایه و واژگان نگاری کودک در زبان فارسی ...

همانگونه که نمودار نشان می‌دهد، فرهنگ دبستانی بالاترین میزان استفاده از کلمات مرکب را در میان منابع دیگر داراست. در این میان، فرهنگ سخن در جایگاه بعدی قرار دارد و کمترین میزان کلمات مرکب در «واژگان نوشتاری» به چشم می‌خورد.

وجود تعداد زیادی از واژه‌های مرکب در فرهنگ دبستانی مثل گیج و ویج، لگن خاصره، مواد خام، مواد غذایی، قمر مصنوعی و ... کار را از حالت یک فرهنگ مرجع و علمی خارج می‌کند و در عوض دو منبع طرح پایه و واژگان نوشتاری با تعادل در این زمینه به این نکته واقف بوده‌اند. مواد خام، مواد غذایی، قمر مصنوعی در حقیقت ترکیب هستند و ترکیب‌های اضافی و وصفی شأن مدخل اصلی را در فرهنگ‌نویسی ندارند و به عنوان زیر مدخل، آن هم به تناسب حجم فرهنگ و مخاطب و هدف می‌آید.

۲-۲ مقوله واژگانی

در این بخش این مسئله بررسی شد که کدام یک از منابع چهارگانه مورد بررسی، کلمات دستوری (واژگانی که روابط دستوری را بین واژه‌های دیگر برقرار می‌کنند مانند حروف ربط، حروف اضافه و غیره) را به عنوان مدخل در نظر گرفته‌اند و چند درصد واژگان آنها به این نوع واژه‌ها اختصاص یافته است.

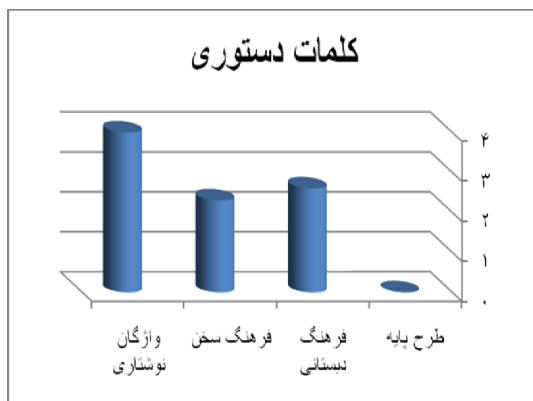
برخی از این منابع، کلمات دستوری را نیز، بنا به پیکره‌ای که براساس آن تهیه شده بودند، جزو واژگان پایه لحاظ کرده‌اند اما برخی دیگر، از جمله منبع اصلی مورد بررسی ما، تنها واژگان قاموسی و آن هم تنها اسم، فعل، صفت را در استخراج و طبقه‌بندی خود از واژگان پایه، در نظر گرفته‌اند. در برخی از این منابع صورت‌های تصریفی به عنوان مدخل مجزا در نظر گرفته شده‌اند اما در برخی دیگر تنها صورت‌های مصدری مدخل شده‌اند. نتایج به دست آمده از این بخش به قرار زیر است:

طرح واژگان پایه: مجموع کلمات دستوری در سه قسمت مورد بررسی طرح پایه صفر بوده است. به عبارت دیگر در این منبع کلمات دستوری به طور کلی مدخل نشده‌اند، نه در بخش تولید و نه ادراک. این امر البته از خود طرح نیز آشکار است؛ زیرا مجریان آن به صراحت گفته‌اند که دامنه کار را به واژگان قاموسی محدود نموده‌اند.

فرهنگ کودکان سخن: تعداد کلمات دستوری در قسمت اول مورد بررسی (صد واژه اول از حرف ب) ۵ واژه، تعداد کلمات دستوری در قسمت دوم مورد بررسی (صد واژه اول از حرف ص) ۱ واژه و تعداد کلمات دستوری در قسمت سوم مورد بررسی (صد واژه اول از حرف م) ۱ واژه بوده است. به این ترتیب مجموع واژگان دستوری در نمونه بررسی شده این فرهنگ ۷ واژه از سیصد مدخل بررسی شده بوده است که این عدد معادل $\frac{2}{3}$ درصد کل واژگان است.

فرهنگ دبستانی:تعداد کلمات دستوری در قسمت اول مورد بررسی (صد واژه اول از حرف ب) ۶ واژه، تعداد کلمات دستوری در قسمت دوم مورد بررسی (صد واژه اول از حرف ص) ۰ واژه و تعداد کلمات دستوری در قسمت سوم مورد بررسی (صد واژه اول از حرف م) ۲ واژه بوده است. به این ترتیب مجموع واژگان دستوری در نمونه بررسی شده این فرهنگ ۸ واژه از سیصد مدخل بررسی شده بوده است که این عدد معادل $\frac{2}{6}$ درصد کل واژگان است.

واژگان نوشتاری: تعداد کلمات دستوری در قسمت اول مورد بررسی (صد واژه اول از حرف ب) ۷ واژه، تعداد کلمات دستوری در قسمت دوم مورد بررسی (صد واژه اول از حرف ص) ۵ واژه و تعداد کلمات دستوری در قسمت سوم مورد بررسی (صد واژه اول از حرف م) ۱ واژه بوده است. به این ترتیب مجموع واژگان دستوری در نمونه بررسی شده این فرهنگ ۱۲ واژه از سیصد مدخل بررسی شده بوده که معادل ۴ درصد کل واژگان است.



نمودار ۲: کلمات دستوری در چهار منبع مورد بررسی

واژگان پایه و واژگان نگاری کودک در زبان فارسی...

همان‌گونه که نمودار نشان می‌دهد، بالاترین نسبت کلمات دستوری، به «واژگان نوشتاری» و پایین‌ترین آن به طرح پایه اختصاص دارد.

۲-۳ حوزه‌های معنایی

پس از مقایسه فهرست کامل واژه‌های بخش تولیدی و ادراکی طرح واژگان پایه، با فهرست کامل مدخل‌های «فرهنگ دبستانی»، «فرهنگ کودکان سخن» و «واژگان نوشتاری»، بر اساس واژگان پنج حوزه معنایی دین و مذهب، خانواده، حیوانات، فصل‌ها و اعضای بدن، مقایسه کردیم. در این بخش نتایج این مقایسه‌ها ارائه می‌شود.

جدول ۱- تعداد واژگان هر حوزه معنایی در منابع مورد بررسی

نام منبع	کل واژه‌ها	دین و مذهب	خانواده	حیوانات	فصل‌ها	اعضای بدن
طرح واژگان پایه	۱۱۱۵	۶۸	۲۸	۳۳	۵	۳۷
فرهنگ دبستانی	۱۵۰۰۰	۴۶۹	۱۳۱	۲۶۲	۱۲	۱۲
فرهنگ سخن	۲۷۵۳	۲۶	۲۹	۱۱۸	۴	۷۸
واژگان نوشتاری	۸۷۱۲	۱۳۳	۶۸	۹۳	۶۸	۷۹

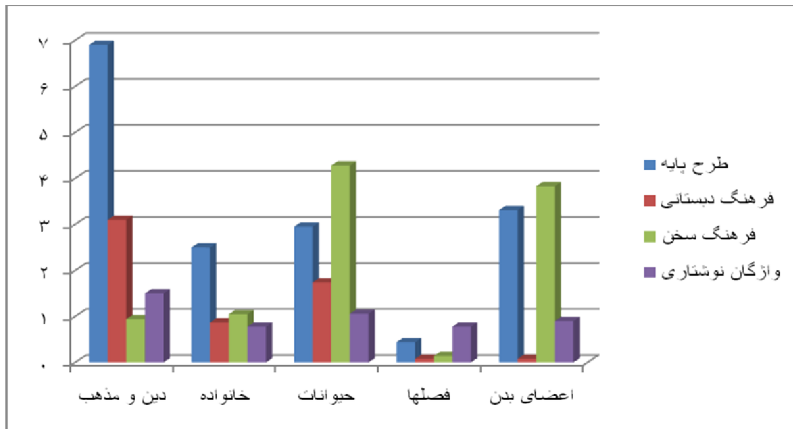
جدول بالا تعداد کل واژگان هریک از چهار منبع مورد بررسی و تعداد واژگان مربوط به هریک از حوزه‌های معنایی مورد بررسی را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه تعداد کل واژگان این منابع با یکدیگر اختلاف زیادی دارد، درصد کل واژه‌های هر حوزه معنایی را براساس تعداد کل واژگان هر منبع مشخص کردیم تا معلوم شود هریک از این منابع چه نسبت از واژگان کلی خود را به واژگان هریک از این حوزه‌های معنایی پنجگانه اختصاص داده‌اند. به این ترتیب مقایسه میزان واژه‌های این حوزه‌ها در چهار منبع مورد بررسی ما با یکدیگر امری امکان‌پذیری معنادار می‌شود.

جدول ۲- نسبت واژگان هر حوزه معنایی بر حسب درصد در منابع مورد بررسی

نام منبع	دین و مذهب	خانواده	حیوانات	فصل‌ها	اعضای بدن
طرح واژگان پایه	۶/۹ درصد	۲/۵	۲/۹۵	۰/۴۴	۳/۳۱
فرهنگ دبستانی	۳/۱	۰/۸۷	۱/۷۴	۰/۰۸	۰/۰۸
فرهنگ سخن	۰/۹۴	۱/۰۵	۴/۲۸	۰/۱۴	۳/۸۳
واژگان نوشتاری	۱/۵	۰/۷۸	۱/۰۶	۰/۷۸	۰/۹۰

جدول بالا نسبت واژگان هر حوزه معنایی را در منابع به تعداد کل واژگان نشان می‌دهد:

نمودار زیر درصد واژگان پنج حوزه معنایی را در منابع نشان می‌دهد:



نمودار ۳: واژگان پنج مقوله معنایی در منابع مورد بررسی

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در حوزه دین و مذهب، بیشترین درصد واژه به طرح واژگان پایه و کمترین به فرهنگ سخن تعلق دارد. فرهنگ دبستانی و «واژگان نوشتاری» به ترتیب جایگاه‌های دوم و سوم را در این حوزه به خود اختصاص داده‌اند.

فرهنگ سخن در دو حوزه معنایی حیوانات و اعضای بدن، بالاترین نسبت واژگانی را به خود اختصاص داده است. در هر دو حوزه، طرح پایه در جایگاه دوم قرار دارد. «واژگان نوشتاری» بالاترین درصد واژگانی را در حوزه فصل‌ها به خود اختصاص داده است. طرح پایه از نظر نسبت واژگان مربوط به حوزه خانواده نیز بالاترین جایگاه را در میان منابع دیگر دارد. این در حالی است که در این حوزه، فرهنگ سخن، فرهنگ دبستانی و «واژگان نوشتاری»، به ترتیب در جایگاه‌های دوم، سوم و چهارم قرار دارند.

جمع‌بندی

مطالعه و مقایسه منابع نه‌گانه اصلی واژگان پایه کودک نشان می‌دهد که تفاوت‌های چشمگیری میان آنها از نظر تعداد، روش گردآوری، کاربرد و تعداد و نوع واژگان وجود دارد. در نوع توزیع این واژه‌ها بین حوزه‌های معنایی مختلف، دستوری بودن یا قاموسی بودن آنها و نیز ساده یا مرکب بودنشان نیز تفاوت وجود دارد. این مسئله نشان می‌دهد که کار تهیه فهرست‌های واژگان پایه در کشورمان مبتنی بر اصولی یکدست نیست و تقریباً هر نویسنده یا پژوهشگری، شیوه و پیکره خاص خود را دنبال کرده است.

واژگان پایه و واژگان نگاری کودک در زبان فارسی...

در این میان، طرح واژگان پایه نعمت‌زاده و همکاران وضعیتی متفاوت دارد: در این اثر نه تنها به اصول و معیارهای جمع‌آوری واژگان پایه توجه شده بلکه عدد کل واژگان پایه به دست آمده در آن، نسبت به پژوهش‌های دیگر و البته واژگان پایه کلی در زبان فارسی، عددی معقول به نظر می‌رسد، بلکه تقسیم‌بندی این واژگان در میان حوزه‌های مختلف معنایی نیز متناسب با وضعیت فرهنگی جامعه است. به علاوه، خارج کردن واژگان دستوری از محدوده کار و نیز درصد نسبتاً پایین واژگان مرکب، آن را به اثری اصولی‌تر در زمینه واژگان کودک تبدیل می‌کند. شاید دلیل این امر، مبتنی بودن این پژوهش بر پیکره‌ای واقعی، معقول و کاربردی از گفتار کودکان است. یکی از نتایجی که از این پژوهش به دست می‌آید اهمیت استخراج واژگان پایه هر سطح یا محدوده‌ای بر اساس داده‌های واقعی همان سطح یا محدوده است. این مسئله از آنجایی مشهود است که می‌بینیم فرهنگ‌های سخن و دبستانی چون اساس کار خود را بر پیکره‌های مربوط به کودکان قرار نداده و گستره نسبتاً وسیعی از پیکره‌ها را برای انتخاب مدخل‌های خود برگزیده بودند، دارای واژگان بسیاری هستند که به راستی در حیطه دانش واژگانی کودکان نمی‌توانند باشند. این اشکال در «طرح واژگان پایه» با توجه به پیکره واقعی آن به چشم نمی‌خورد.

نتیجه‌گیری

تاکنون در حوزه واژگان‌نگاری پایه دست‌کم نه اثر و طرح پژوهشی و کتاب به انجام رسیده است که در این پژوهش چهار اثر فرهنگ سخن، فرهنگ دبستانی و واژگان نوشتاری کودکان نقد و بررسی شد. ایرادهای زیر بر سه منبع فرهنگ سخن، فرهنگ دبستانی و واژگان نوشتاری کودکان، وارد است اما در طرح شناسایی واژگان پایه نعمت‌زاده و همکاران به چشم نمی‌خورد:

۱. مبتنی بر پیکره‌های واقعی و تعریف‌شده نیستند؛
۲. روش تعریف‌شده و علمی ندارند و یا در مقدمه به آن اشاره نکرده‌اند؛
۳. وجود بسیاری از مقوله‌های غیرواژگانی مثل عبارت‌ها، اصطلاحات، ترکیبات وصفی و اضافی، کنایات و امثال و... به عنوان مدخل اصلی؛
۴. نوع دستوری واژگان خود را مشخص نکرده‌اند؛
۵. مرز بین واژگان خوانداری و نوشتاری و شنیداری مشخص نشده است (جز واژگان نوشتاری بدره‌ای).



کتابنامه

- ابراهیمی، نادر (۱۳۶۳). مقدمه‌ای بر مراحل خلق و تولید ادبیات کودکان. تهران: آگاه.
- انوری، حسن و منیژه گازرانی، (۱۳۸۳) فرهنگ کودکان سخن، تهران، انتشارات سخن.
- ایمن، لیلی (۱۳۵۷) واژگان نوشتاری و گفتاری کودکان ۱۲-۶ ساله ایرانی. تهران: مرکز ملی آموزشبزرگسالان .
- بدره‌ای، فریدون (۱۳۵۰). واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ایران. تهران: فرهنگستان زبان ایران
- رحماندوست، مصطفی، (۱۳۹۰) فرهنگ آسان. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران
- شبیری، علی محمد (۱۳۷۶). واژگان پایه ادراکی دانش‌آموزان کلاس‌های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی. رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی.
- شکری، گیتی، (۱۳۷۴) فرهنگ دبستانی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صفارپور، عبدالرحمن (۱۳۷۰). واژگان پایه کلاس‌های اول تا پنجم دبستان. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر انتشارات کمک آموزشی .
- صفرزاده، فرامرز (۱۳۷۶) واژگان گفتاری کودکان دبستانی. رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی.
- ضرغامیان، مهدی (۱۳۷۱). واژگانخوانداری کودکان دبستانی ایران. رساله کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی .
- فکری، نادیا، (۱۳۸۲) شناسایی و تحلیل واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ایران ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، بهراهنمایی دکتر مرتضی کوکبی دانشگاه شهید چمران اهواز
- نعمت‌زاده، شهین و همکاران، (۱۳۸۴) طرح شناسایی واژگان پایه فارسی دانش‌آموزان ایرانی در دوره ابتدایی، جلد اول: گزارش کلی، تهران، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- نعمت‌زاده، شهین، دادرس، محمد، دستجردی کاظمی، مهدی و منصوری زاده، محرم، (۱۳۹۰) واژگان پایه فارسی از زبان کودکان ایرانی، تهران، انتشارات مدرسه.